آوردگاه دستان

شرحی گزارشی از برزونامه و جمشیدنامه از ملحقات شاهنامه فردوسی به زبان شیوای امروزی

شرح و گردآوری رضا آریانی
کارشناس ارشد نابینای زبان و ادبیات فارسی

فرهنگ مانا

۱۳۹۵

www.ketab.ir

سرشناسه: آریانی، رضا، ۱۳۵۲
عنوان قراردادی: شاهنامه برگزیده. شرح/ برزونامه. شرح/ جمشیدنامه. شرح
عنوان و نام پدیدآور: آوردگاه دستان: شرح گزارشی از برزونامه و جمشیدنامه از ملحقات شاهنامه فردوسی به زبان امروزی/ شرح و گردآوری رضا آریانی
مشخصات نشر: سی‌سخت: فرهنگ مانا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۳۸۲ ص
شابک: ۲۴۰۰۰۰ ریال: ۰-۴۶-۷۵۷۱-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۷۹]- ۳۸۰.
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۴۹-۴۱۶ ق. شاهنامه- نقد و تفسیر
موضوع: زرگر، خلیل، قرن ۱۰ ق. جمشیدنامه- نقد و تفسیر
موضوع: عطا ابن یعقوب، قرن ۵ ق. برزونامه- نقد و تفسیر
موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۰ ق-- تاریخ و نقد
موضوع: شعر فارسی-- قرن ۴ ق-- تاریخ و نقد
موضوع: منظومه‌های حماسی فارسی
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه. برگزیده. شرح
شناسه افزوده: زرگر، خلیل، قرن ۱۰ ق. جمشیدنامه. شرح
شناسه افزوده: عطا ابن یعقوب، قرن ۵ ق. برزونامه. شرح
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۹ PIR ۴۴۹۵
رده‌بندی دیویی: ۸ ۱/۲۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲ ۲

www.ketab.ir

آوردگاه دستان

گردآوری: رضا آریانی
صفحه‌آرا: مینا صفری
طراح جلد: محمدرضا چشمه
شمارگان: ۱۲۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
لیتوگرافی: نقره آبی
چاپ: زیتون سبز
شابک: ۰-۴۶-۷۵۷۱-۶۰۰-۹۷۸
ناشر: فرهنگ مانا
قیمت: ۲۴۰۰۰۰ریال

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، بین ویلا و حافظ، خیابان پورموسی، کوچه بامشاد، پلاک ۲، واحد ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۶۱۷۷۱۱ تلفن: ۲۱- ۸۸۹۴۸۸۲۰ دورنگار: ۸۸۹۳۲۶۵۲

فهرست

چکیده ۱۱
مقدمه ۱۳
داستان برزو ۱۵
نظراستادصفادرباره‌ی برزونامه ۱۹
نظر ژول مول درباره‌ی برزونامه ۲۰
تشابه و تفاوت داستان رستم وسهراب و رستم و برزو ۲۱
جمشیدباستانی ۲۴
فرامین ده گانه(۱۰) جمشید ۲۶
فرجام کار جمشید ۲۹
کلّیات ۳۱
اهداف تحقیق ۳۱
ضرورت تحقیق ۳۱
پیشینه‌ی تحقیق ۳۲
روش تحقیق ۳۲
برزونامه ۳۳
درمدح پیامبرخاتم حضرت محمد(ص) ۳۴
داستان برزو ۳۴
زادن برزوی سهراب، پسر زاده‌ی رستم ۴۱
رسیدن افراسیاب به شنگان ۴۳
پند دادن مادر، برزو را درباره بازداشتنش از جنگ رستم و سر باز زدن برزو از آن ۶۳
پهلوانی آموختن برزو از سرداران توران ۶۷
لشکرکشیدن برزو بسوی ایران و آمدن طوس و فریبرز بجنگ او ۸۳
جنگ طوس و فریبرز با برزو و گرفتار شدن ایشان ۸۸
جنگ رستم با برزو و آزرده شدن دست رستم ۱۰۵
جنگ فرامرز با برزو و گرفتارشدن برزو ۱۱۲
آگاهی یافتن مادر برزو از گرفتار شدنش و رفتن او به ایران به جستجویش ۱۳۸

www.ketab.ir

رفتن مادر برزو به سیستان و چاره کردن او در رهایی برزو از بند ارگ ۱۳۹
گریختن برزو با مادرش از بند ارگ و دچار شدن ایشان در راه با رستم ۱۴۵
جنگ رستم با برزو ۱۴۸
زهر انداختن گرگین در خورش برزو ۱۵۴
جنگ رستم با برزو وگرفتار شدن برزو و آشکارکردن مادرش که او سهراب است ۱۵۶
آمدن رویین و خبر دادن افراسیاب را از سرگذشت برزو ۱۶۳
فرستادن افراسیاب سوسن رامشگر را برای گرفتن رستم و گردان ایران بافسون ۱۶۵
(آشفتن طوس بر گودرز در مهمانی رستم و رو به ایران نهادن و رفتن گردان ایران ببازآوردنش)
۱۶۸
گرفتار شدن طوس بافسون سوسن رامشگر ۱۷۳
گرفتار شدن گودرز بافسون سوسن رامشگر ۱۷۵
گرفتار شدن گیو بافسون سوسن رامشگر ۱۷۷
گرفتار شدن گستهم بسور سوسن رامشگر ۱۷۹
رسیدن بیژن به خیمه سوسن و گرفتار شدن بدست پیلسم ۱۸۰
رسیدن فرامرز بخیمه سوسن و آهنگ کردن بجنگ پیلسم ۱۸۴
رسیدن زال بخیمه سوسن رامشگر ۱۸۶
رسیدن رستم و برزو بیاری زال و جنگ رستم با پیلسم ۱۸۹
رسیدن فرامرز با لشکر سیستانی نزد زال و رستم ۱۹۱
رسیدن افراسیاب با لشکر تورانیان به یاری پیلسم و رزم برزو با تورانیان ۱۹۳
جنگ برزو با شیده و جنگ رستم با پیلسم و کشته شدن پیلسم ۱۹۸
رسیدن کیخسرو و خواستن افراسیاب جنگ او را و بازداشتن برزو او را از جنگ ۲۰۸
جنگ برزو با افراسیاب و رهایی یافتن طوس و گودرز و دیگر یاران ۲۱۴
گریختن افراسیاب و بازخوردن زنگه شاوران و فریبرز با او و خستن ایشان از او ۲۱۸
گریختن شیده با لشکر توران و رفتن کی‌خسرو بزابلستان منشور غو و بردن به برزو ۲۲۰
جمشید نامه ۲۲۳
نامه ضحاک به جمشید ۲۲۳
پاسخ نامه‌ی ضحاک از جمشید ۲۲۴
جنگ کردن ضحاک با جمشید ۲۲۶
زخم خوردن جمشید از ضحاک ۲۲۹
گریختن جمشید از ضحاک ۲۳۲
رسیدن جمشید بزابل ۲۳۴
آمدن دختر گورنگ شاه نزد جمشید و بزم آراستن با او ۲۳۵
کمانداری کردن جمشید با دختر گورنگ شاه ۲۳۷
شناختن دختر گورنگ شاه جمشید را ۲۳۹
سخن گفتن دختر گورنگ شاه با جمشید ۲۴۰

www.ketab.ir

بزنی گرفتن جمشید دختر گورنگ شاه را ۲۴۲
آگاهی یافتن گورنگ شاه از راز دختر ۲۴۳
آمدن شاه زابل بدیدن جمشید ۲۴۵
پیدا شدن شیدسب از توروتورگ از شیدسب ۲۴۸
رزم تورگ با سرند ۲۵۰
گرفتار شدن سرند بدست تورگ ۲۵۰
پیدا شدن شم ازتورگ واترت از شم و گرشاسب از اترت و نریمان از گرشاسب و سام از نریمان ۲۵۲
تجزیه و تحلیل دستوری در برزونامه و جمشیدنامه ۲۵۵
صنایع ادبی موجود در برزونامه و جمشید نامه ۲۷۵
تشبیه ۲۷۵
اغراق ۲۷۶
تضاد ۲۷۷
جناس ۲۷۷
کنایه ۲۷۸
خداشناسی ۲۷۸
حسن تعلیل ۲۷۸
لف و نشر مرتب ۲۷۹
تنسیق الصفات ۲۷۹
صنعت تناسب ۲۸۰
موقوف المعانی ۲۸۰
ادبیات تعلیمی ۲۸۱
زندگی‌نامه‌ی شخصیت‌ها در منظومه‌های ۲۸۳
برزونامه وجمشیدنامه ۲۸۳
افراسیاب ۲۸۳
القاب و اوصاف نیک و بد افراسیاب ۲۹۰
بیژن ۲۹۱
بارمان ۲۹۶
زال ۲۹۶
اوصاف و القاب زال در شاهنامه ۳۰۴
جمشید ۳۰۴
دمور ۳۰۶
پیران ۳۰۶
زنگه ۳۱۱
پیلسم ۳۱۲
شیده ۳۱۴

www.ketab.ir

فرامرز ۳۱۵
فرشیدورد ۳۱۶
گرسیوز ۳۱۷
گروی ۳۲۱
گستهم ۳۲۲
طوس ۳۲۵
گیو ۳۳۰
گودرز ۳۴۰
نریمان ۳۴۸
گرگین ۳۴۹
لغت‌نامه ۳۵۳
نتیجه‌گیری و پیشنهاد ۳۷۷

فهرست منابع و مآخذ ۳۷۹

www.ketab.ir

چکیده

شرح گزارشی انتقادی برزونامه و جمشیدنامه از ملحقات شاهنامه‌ی فردوسی به زبان شیوای امروزی

به وسیله‌ی: رضا آریانی

در این رساله که به عنوان شرح گزارشی انتقادی برزونامه و جمشیدنامه از ملحقات شاهنامه‌ی فردوسی به زبان شیوای امروزی تحریر گشته. سعی بر آن شده تا با تشریح ابیات و بیان معانی ترکیبات و اصطلاحات شعری با بیانی ساده کلیه‌ی زوایا و ابعاد دو منظومه برای مخاطب و خواننده روشن و آشکار گردد.

فردوسی با سرودن شاهنامه که سرچشمه‌ی آن صفات و مفاخر ایرانیان قدیم است روح حماسه و پهلوانی و تاریخ را در دل مردمان ایران زمین زنده کرد و این تعلق خاطر از زمان سرودن شاهنامه تا به امروز وجود داشته و موجب گردیده است که پیروان زیادی خواهان پیروی از مکتب ادبی و سرایش او شوند. ملحقات و نامه‌های حماسی بعد از او دلیل کاملی بر این گفته است.

این رساله در هشت فصل تهیه و فراهم گردیده است که شامل:

فصل اول: کلیات؛ که شامل اهداف،ضرورت،پیشینه و روش تحقیق می‌باشد.

فصل دوم: منظومه‌ی برزونامه است. (که با دو روش معنی کردن ابیات(حدود هزار بیت)و نثری روایتی با زبانی ساده و عامه پسند بیان گردیده است)

فصل سوم: منظومه‌ی جمشیدنامه است. (که با نثری داستانی و ساده و جذاب تحریر گشته است)

www.ketab.ir

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل دستوری است. (که به بررسی و بیان نوع و نقش دستوری برخی ابیات برگزیده می‌پردازد)

فصل پنجم: صنایع ادبی موجود در دو منظومه است. (که فنون ادبی مشاهده شده در دو منظومه را به خوانندگان محترم معرفی می‌نماید)

فصل ششم: فصل هفتم: لغت نامه است.

فصل هفتم: زندگی نامه‌ی شخصیتها در منظومه‌های برزونامه و جمشیدنامه.

فصل هشم: نتیجه گیری، پیشنهادها و فهرست منابع و مآخذ.

www.ketab.ir

مقدمه

هنگامی که دل سفید کاغذ حیطه قلم فرسایی ذهن من و تو می‌شود باز می‌بینم که خورشیدی درخشان سرزمین امپراطوری ادبیات نغز و دلگشای فارسی ایران زمین را فرا گرفته و بر آن سایه‌ای عظیم و پایدار و بدون گزند از هرنوع تاریکی افکنده است. با یک نگرش ساده به شاهنامه خواهیم دیدکه اثر جاودان و ابدی حکیم طوس به راستی پردیس یا فردوسی ایران فردوسی است. جهانیان زبان و نوشتار پارسی را با نام شاهنامه ترجمه می‌کنند و آوازه فارسی با نام فردوسی و اثر استوار او شناخته می‌شود که گلچین و معجونی از شیمیای قبله‌ی هر عطاری است. فردوسی از ملاکین بزرگ طوس بود که توجهی بی‌بدیل به فرهنگ و سنت و هویت ملی ما داشت و با حکمت و خردی که در جانش ریشه دوانیده بود، مکتبی متعالی به وجود آورد. او با اعتمادی که به دانش و خرد داشت برای توصیف رفتار پهلوانان و قهرمانان کتاب خود چنان طرحی استوارومناسب اندیشیده بود که همه رفتاروکردارآنان درواقع دعوت به آزادگی وخردمندی ازآب درآمده است. شخصیت هاوپهلوانان که فردوسی آفریده هنوززنده‌اند و با خواننده سخن می گویند. خوی وروش هر یک از خردمندی،خاموشی،شجاعت،ستیزه جویی،سبک سری و... چنان آشکار است که انگار با آنان هم عصر و مأنوس بوده است. فردوسی از ابتدای آفرینش و ماجراهای پادشاهان پیشدادی تاپادشاهان کیانی به طور تکاملی و مرتبه ای تاجایی پیش رفت که با پرورش وآفرینش داستانهای محاوره ای مانند رستم وخانواده اش و نیاکانش که گل سرسبد نقل مجالس شبانه‌ی پیران قدیم ماست

www.ketab.ir

رسیده است. حماسه ایی که او پایه گذاری نمود از زمان سرایش تاکنون مریدان و پیروان بسیاری را شیفته و مجذوب خود کرده است و براساس علاقه و محبتی که شعله‌ی کلام فردوسی درجانشان روشنایی وگرماافروخته بودبرآن شدندپای در جای پای وبرردپای استادگران قدروپرآوازه خود گذارند و تصنیفات وآثاری هم چون اورابه دنیای معرفت وحکمت وادبیات حماسی عرضه و اهداء نمایند. لذاباترویج این رویه داستانهایی بوجودآمدندکه همان سبک وسیاق شاهنامه راداشتندفقط با توجه به قدرت وطبع شاعری ازلحاظ کیفیت به دودسته آثارقوی وپرکشش وجذاب وضعیف و متمایزازگفتارفردوسی تقسیم گردیده اند. همین امرموجب شدآثاری به نام ملحقات شاهنامه بوجودآیدکه البته آثارمستعدتردرطول زمان به کتابهای شاهنامه الحاق شد جزءدرست این اثر عظیم حماسی یکتابه حساب آمد. دراین میان دو داستان برزو و جستیار از دیگر داستانهای ملحقات مشهورتر و معروفتر بوده و جذابیت خاصی را ایجاد کرده‌اند. به همین مناسبت اینجانب سعی نمودم باتجزیه و تحلیل و ساختار و رونمایی از دو داستان وتشریح ابیات ومتن اصلی آنها و تهیه‌ی لغت‌نامه‌ای ازکلمات ناآشنا و مهجور این دو داستان را هم ازلحاظ تحلیلی و هم از لحاظ تشریح و توضیح جهت عوام و خواص ارائه نمایم. امید است این مجموعه هرچندخطی کم رنگ، درجمع ادب دوستان و فرهنگ پروران عزیز باشد. ابتدا نگاهی برداستان برزوانداخته تا نمایندن وجوه مختلف داستان ونقل آن،برزو وتفاوت وتشابه اوباپدرش سهراب و نگارنده منظومه وویژگی سبکی ونگارشی اثر راباطرح وشکلی جدید بشناسیم. همانطوری که بایداطلاع داشته باشیدبرزوپسرسهراب ونوه‌ی رستم {بت شاهنامه}است که این منظومه درادبیات حماسی سروده شده وبا توجه به شباهت آن باکلام فردوسی درزمره ملحقات آن اثرقرارگرفته است. دست نوشته‌هایی که ازاین منظومه موجوداست ومادرادامه به ذکرآنان خواهیم پرداخت،حکایت ازآن دارد که این منظومه به دوقسمت کهن وجدید تقسیم گردیده است که قسمت کهن آن درقرن هشتم وقسمت جدیدآن درقرن دهم نوشته شده است. اولین بارکه برزونامه موردبررسی قرارگرفت درنیمه دوم قرن هجدهم بود(۱۸) که آنکتل دوپرن که نسخه‌های یافته شده ای را از هندبه پاریس بردکه

www.ketab.ir

درسال۱۸۱۶میلادی گارتن بااستفاده ازنسخه‌ی دو پرون۲۷۵بیت ازمنظومه راباترجمه آلمانی به چاپ رسانید. درکوششی دیگرترنرماکان در سال۱۸۲۹برزونامه ای با۳۶۰۰بیت درقالب ملحقات شاهنامه خودمنتشرنمود. خوشبختانه هم قسمت کهن وهم قسمت جدید،درنسخه‌های خطی ودست نوشته ای موجودمی باشدوبه عنوان میراثی به دست مارسیده است که داستانهای آن وماجراهای مهیج و سرگرم کننده و آموزنده آن در هیأت نثر توسط نویسندگان و اساتید محقق به رشته‌ی تحریردرآمده است. برای اینکه ابعاد و اشکال برزونامه راموردبحث وبررسی قراردهیم لازم است که ابتداخودداستان رابانثری روان و تقریباً خلاصه اما با ارکان اصلی آن به اطلاع شما خوانندگان ارجمند برسانم.

داستان برزو

داستان ازآنجا شروع می‌شود که سراب برای یافتن اسبی خوب به سرزمین شنگان می‌رودکه درحین جستجوبا دختر چوپانی به نام شهروآشنامی شودو پس ازگفتگوی اولیه به طور مخفیانه باهم ازدواج نموده وهمخواب می‌شوند وهنگامی که صبح فردایش می‌خواهد به ایران برگرددمهره ای رابه شهروداده ومانندداستان رستم وتهمینه می‌گویدکه اگردخترشدبریشانیش ببند واگر پسربودبرانگشت دستانش،پس از(۹)ماه بارداری،شهروپسری به دنیامی آوردکه نامش رابرزومی گذارد که همچون پدرش ازلحاظ جسمی با کودکان دیگرتفاوت بسیاری دررشدونمو باشد. پس از مدتی شهرودرخانه‌ی برزگری ساکن شدوپسرش به تبع صاحب خانه به کشاورزی ودامپروری پرداخت وبرای برزگرچوپانی می‌کرددرهمین زمان هنگامی که افراسیاب ازسپاه ایران شکست خورده بودبه سرزمین شنگان رسیدوبادیدن برزوبرق شادی درچشمانش درخشیداودریافت که پهلوان بزرگی راکشف کرده است. قامت واندام وبازوی برزوازکم یابی اوحکایت می‌کرد. افراسیاب قاصدی رانزداوفرستادوبااووارد معامله شدوبه اوقول دادکه درازای سپهسالاری وجنگ باایرانیان ثروت ومقام وقدرت بی شماری به اوخواهدداد.وبرزوی جوان هم فریفته شد. مادرش (شهرو)باشنیدن این خبربرآشفت واوراازرفتن وجنگ باایرانیان

www.ketab.ir

برحذرداشت اماپسراعتنایی به گفته‌ی مادرنکردوپس ازاین ماجراباسپاه افراسیاب وتورانیان همراه شدوبه میدان جنگ ایرانیان رفت وپهلوانان نامی ایران رااسیرکرده وباغل وزنجیربه زندان افراسیاب برد. باردوم نیز طوس وفریبرزراشکست داده وآنان رابه اسیری برد. پس ازاین ماجرافرستاده ای رانزدرستم گسیل داشتند. رستم به جنگ برزورفت امااین بارنیزدرمیدان جنگ بازویش شکسته شدوسرشکسته و افسرده قصدبرگشت به زابلستان راکرد. بعدازاین ماجرابه فرامرزکه درهندبودخبردادندکه جزتو دیگر پهلوانی برای مبارزه بابرزوندارایم واورا دعوت کردندتاباآمدن به ایران وجنگ بارزوپهلوانان اسیروشکست خورده راسرافرازنماید. فرامرزبه جنگ بابرزوپرداخت وپس ازدرگیری وجدال بسیاری پای اسب برزو لغزیدوفرامرزاورادربندکرده وبه زندان ارگ سیستان فرستاد. شهروکه ازاین ماجراآگاهی یافت به طور ناشناخته وناشناس واردشهرسیستان شدتا چاره وراهی برای فرارفرزندش اززندان بیابد. بعدازجستجوی زیادشهروبانفوذدرافرادسرشناسان رامشگری آشناشدکه بازندان بانان وسپاهیان آشنایی داشت. شهرومهره انگشتری که سهراب در زمان ازدواج به اوداده بودبه زن رامشگر داد تابه عنوان نشانه وآشنایی دوستی به برزوبدهد. هنگامی که زن رامشگر انگشترابه برزورسانیداوبادیدن آن نشانه بسیارخوشحال شدوقلبش آرام گرفت. شهروباتفوذدرسپاهیان واغفال آنان عاقبت،فرزندش رااززندان سیستان برای دادوقتی که می‌خواستند خانه وکاشانه خودبرگردندازاقبال وبخت بدشان با سپاه رستم برشدند. همین امرموجب درگیری آن دوپهلوان بایکدیگرشدوبازهم طبق دفعه‌ی گذشته رستم مغلوب برزوگردیدوباحیله جنگ رابه تعویق انداخت تابتوانددراین میان باحیله‌ی دیگرکه فرستادن غذای مسموم برای برزوبودبراوغلبه کند. امااین ترفندنیزشکست مواجه شدو برزوازاین نقشه جان بدربرد. روزبعدجنگ میان آن دودرگرفت که برخلاف گذشته این باربرای اولین بارستم پیروزشد. هنگامی که رستم پیروزشدخواست تادریک لحظه وطرفه العینی برزو را ازپای درآوردوکاراورابسازد. شهروکه جنگ دوپهلوان رانظاره می‌کردوناظربرکارآن دوبودموقعی که متوجه قصدونیت رستم شدفریادکنان وجیغ زنان به آنان نزدیک شده ورستم رااز نژاد و تبار برزوآگاه کرد. رستم دانست برزونوه‌ی اوست دست ازجنگ کشید و قتل و خونریزی آن دو

www.ketab.ir

پهلوان به شادی و شور مبدل گردید و همدیگر رادرآغوش گرفتند. پس از این ماجرابودکه برزو دست راست رستم گردید و در همه‌ی میدانها ، یاوراوشدزمانی که این اتفاق به گوش افراسیاب رسیدبسیارخشمگین وناراحت شدتاجای که سران ولشکریان خودرافراخواندتابرای مبارزه وشکست پهلوانان ایرانی حربه ونقشه ای جدیدبیافرینند. درمیان یاران افراسیاب زن رامشگری بودکه اوراوسن رامشگرمی خواندواوبه افراسیاب قول دادکه باحیله وترفندی پهلوانان ایرانی رابه دام اندازدوافراسیاب راپیروزنماید. اوبرای اجرای نقشه اش به نزدیکی اردوگاه ایرانیان رفت وبرسررا پهلوانان ایرانی چادری رابرپانمودوبارامشگری ووازندگی وخوراندن داروی بیهوشی به آنان،پهلوانان ایرانی رافریفت ودست بسته به زندان افراسیاب فرستاد. درآغازکارسوسن رامشگر باهمکاری پلیسم موفق به اجرای نقشه اش گردید. امادرپایان کاربا‌آمدن سهراب پهلوانان ایرانی و کشتن پلیسم که حامی سوسن بوداین نقشه نقش برآب شدوبرروبا کشتن به سپاه ایران در کنارنیایش،ازبزرگترین پهلوانان نامی کی خسروشد.

برزونامه ازدوبخش اصلی تشکیل گردیده که سدهاتوسط شاعران وداستان سرایان به یک داستان بلندمبدل شده که بخش اول به طورخلاصه ومنشوردربالاخدمتتان ارائه گردیدوبخش دوم شامل برخی رزمهای محاوره ای وعوام پسندانه که شامل جنگهای برزوبادیوهاوجنهااست که داستان سرایان این دوقسمت رابه هم وصل کرده اند. بانگاهی به قسمت کهن وجدید برزونامه متوجه تفاوتهای سبکی ونوشتاری آن دومجموعه خواهیم شد. رول رول ودکترصفاهردومجموعه رایک اثرمستقل ویک داستان پیوسته می‌دانندوتاریخ سرایش آن رادراواخرقرن پنجم(۵)واوایل قرن ششم(٦)معرفی می‌کنند. وجودکلمات پهلوی دربخش اول وکهن وافزایش کلمات عربی و تازی تاریخ سرایش این دومجموعه‌ی متفق راموردشک وتردیدقرارمی دهدکه اولی سیر داستانی داشته ودومی وقایع داستان فردی رادرمکانهاوموقعیتهای مختلف موردبازگویی قرارمی دهد. قسمت اول(بخش کهن)داستانهای عیاری وحماسی واسطوره ای وقسمت دوم داستانهای عشقانه وعوام پسندمی باشدکه بانام مانندمهراس وعقیلاوقطران،حورلقاپیوندمی

www.ketab.ir

خورد. از ظاهر کلام قسمت دوم برمی آیدکه عطایی کـه داسـتان دوم راخودسـروده وداستان اول رابه آن پیوند زده وداستان بلندی راازآن بوجـودآورده اسـت درداسـتان دوم ازدیووجادوسخن به میان آورده که دربخش کهن خبری ازآن نیست. هم چنـین دربخـــش اول ازلحـــاظ کاربردلغـــات کلمـــات پهلـــوی ماننـــد ارغنده،تازنان،شمیده،کناغ،هور،یک تنه مشاهده می‌شود امـا دربخـش دوم بـه جـای کلمات پهلوی لغات تازی به وفور ملاحظه می‌گردد. کلمـات تـازی و عربـی ماننـد کرامت، غربت،نـصیحت و نیـز عـلاوه برکلمـات فـوق ترکیبـاتی ماننـدمع القـصه وجذبه عشق که ازآنها بوی عرفان ابن عربی به مـشام مـی‌رسـدازلحاظ فـصاحت وبلاغـت بـرخـورداراسـت.درصـورتی که دربخش دوم ابیات ضـعیف وسـستی راازلحـاظ ادبـی می‌توان یافت مـم چنـین بـرای بخش دوم۱٤دست نویسه وجود داردکه قـدیمی تـرین دست نوشته آن با توجـه بـه ویژگیهاوخصوصیات لغـوی وانـشای بیانگربخش کهـن واول برزونامه است که بـه تـاریخ ۶۲۹ ه(هجری قمری)است. انجوی درکتاب فردوسی نامه خودهفت داستان ازبرزونامـه بررسـی می‌کندکه شش عددازآنها مربوط بـه بخـش کهن است دراین جابه مبحثی می‌پردازیم کـه ازشک و تردیدبرتـشابه اسـمی عطـایی یعقوب وعطای بن یعقوب صحبت به میان می آورد.نظرمحققان در موردبرزونامه که منسوب به عطایی است ناشی ازنظرخاورشناسان می‌باشد کـه ازتحقیقـات بلوشـه ریشه می‌گیرد که برآنان تأثیرفراوان گذاشته ومنتج النتایج بـه نتیجوهای خـودراچنین بیان می‌دارند:

برزونامه مربوط به شخصی به نام عطایی ابن یعقوب می‌باشـدکه چنـین شخـصی درسال ٤۱۹(هجری قمری)ازمـشایخ وشـاعران وقـصیده سـرایان دربـارغزنوی وآن دوران بوده است که بنابـه دلایـل متعددکـه چندنمونـه آن رادرزیرخـدمتتان عـرض می‌کنم چنین فرضیه‌ی باطل ومحال است.

۱. درهیچ منبع ومأخذی اثری ازعطایی یعقوب که تخلصش عطـایی باشـدردپایی به چشم نمی‌خورد. وی ازبزرگان شعر عرب بوده چراکه درادبیات عرب هـیچ تخلص وجودنداردچراکه تخلص،بدعت شاعران پارسی گوی است.

www.ketab.ir